

اقلیم خاطرات

دکتر فاطمه طباطبایی

عروس امام خمینی (س)

معاونت پژوهشی

پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

۱۳۹۰

فهرست مطالب

پیشگفتار

۱

فصل اول: یک اتفاق ساده

یک اتفاق ساده

۷

سفر به عراق

۹

یار دیرینه

۱۳

اقامتی به یادماندنی

۱۴

سجاده مهر

۱۷

راه سبز

۱۸

تبعیدی کوفه

۱۹

اشک و لبخند

۲۰

صحنه‌ای دلپذیر

۲۲

مرور یادها

۲۴

پی‌نوشت‌ها

۳۲

فصل دوم: خانواده من

پدر

۳۹

دوره کودکی و تحصیل پدر

۳۹

ازدواج

مادر

۵۰

خانواده پدری

۵۳

پدر پدر

۵۳

بازگشت سلطان‌العلما به بروجرد

۵۷

۵۸	قهوه قجری
۵۹	مادر پدر
۶۰	عموها
۶۶	عمه‌ها
۶۹	خانواده مادری
۶۹	پدر مادر
۷۱	مادر مادر
۷۴	دایی‌ها
۸۳	خاله‌ها
۸۸	ثمره ازدواج پدر و مادرم
۸۹	برادران
۹۱	زادگاه
۹۴	قدرشناسی مادر
۹۵	وصف العیش نصف العیش
۹۶	خانه موجودی زنده
۹۶	آب‌رسانی خانه
۹۷	برق
۹۹	تلفن
۹۹	یادهای کودکی
۱۰۴	پی‌نوشت‌ها
۱۲۰	تبارنامه

فصل سوم: روزهایی زیبا

۱۲۵	انکار مادر
۱۲۶	لحظه پرشور

۱۲۸	رد یا پذیرش
۱۳۲	تهدیدات ساواک
۱۳۳	خرید عقد
۱۳۵	پیمانی مقدس
۱۳۷	نخستین دیدار
۱۴۶	جشن ازدواج
۱۴۸	جهیزیه
۱۴۹	ماه غسل گروهی
۱۵۰	شروع خانه‌داری
۱۵۲	خانه ما
۱۵۴	احمد مشوق و معلم من
۱۵۷	مهر مردمی
۱۵۷	تشابه و تفاوت
۱۵۹	خانواده احمد
۱۶۱	سرگرمی‌های ما
۱۶۲	هزینه زندگی
۱۶۲	انتخاب مرجع تقلید
۱۶۵	فوتبال ایران و اسرائیل
۱۶۷	دیدارهای خانوادگی
۱۶۸	دوستان خانوادگی
۱۷۱	اخراج ایرانی‌ها از عراق
۱۷۲	سفرهای ما
۱۷۷	ازدواج برادرانم

۱۷۸	احساس مادری
۱۷۹	انتخاب نام
۱۷۹	دوره کودکی حسن
۱۸۴	پی نوشت ها

فصل چهارم: خانه دوست

بخش اول: مبارزان مهاجر

۱۹۲	مبارزان مهاجر
۱۹۴	حازمیه
۱۹۵	مجلس اعلای شیعیان
۱۹۶	نگاهی نو
۱۹۶	تلاش های امام موسی صدر
۱۹۶	بعد فقهی
۱۹۷	بعد فرهنگی
۱۹۸	بعد دفاعی
۱۹۸	خلق خوش و جدال احسن
۱۹۹	ارتباط با فرهیختگان ایرانی
۲۰۰	کارشکنی ها
۲۰۱	مهاجرت امام موسی صدر
۲۰۲	آشنایی با دکتر چمران
۲۰۵	مهمانی ناتمام
۲۰۶	پشتیبانی از امام و انقلاب
۲۰۷	نجف

۲۰۷	هیجان دیدار با امام
۲۱۰	کربلا
۲۱۱	جشن تولد در کشتی
۲۱۳	ایوان مداین
۲۱۴	مهمان‌نوازی اعراب
۲۱۵	ویژگی‌های رفتار امام
۲۲۲	اقامتگاه امام در نجف
۲۲۹	تابستان در نجف
۲۳۰	ماه رمضان در نجف
۲۳۱	آغاز سال تحصیلی در نجف
۲۳۵	طرح چند پرسش و پاسخ
۲۳۹	تर्फند عراق برای محدودیت حوزه
۲۴۰	خاطره‌نویسی شب‌های نجف
۲۴۰	دستگیری در ۱۳ آبان ۱۳۴۳
۲۴۲	خاطرات خانم از این دستگیری
۲۴۲	خاطره امام از ترکیه
۲۴۳	تبعیدی دل‌نشین
۲۴۶	خاطرات خانم از تبعید امام به ترکیه
۲۵۱	در راه
۲۵۳	خاطره خرید خانه
۲۵۵	خانم و جزئیات خرید خانه
۲۵۶	خاطرات پراکنده از زبان امام
۲۵۶	تیزهوشی در برقراری نظم

۲۵۷	جاسازی اعلامیه در پوشش نوزاد
۲۵۷	شیوه‌ای ویژه در تدریس
۲۵۸	وفای به عهد
۲۵۸	یاد استاد
۲۵۹	دیدار با آیت‌الله شاه‌آبادی
۲۶۱	خاطراتی از آقای پسندیده
۲۶۴	تجدید خاطرات
۲۶۵	فرزندان سید مصطفی (پدر امام)
	بخش دوم: لیک
۲۶۹	سفر حج
۲۷۴	لیک
۲۷۶	مسجدالحرام
۲۷۸	مسی
۲۷۹	آشپزی فراموش‌نشدنی
۲۸۰	وادی عرفات
۲۸۱	مشعر
۲۸۵	مدینه
۲۸۶	دمشق
۲۸۹	پی‌نوشت‌ها
	فصل پنجم: نام‌آوران
۳۰۱	بازگشت به میهن
۳۰۲	سنت‌شکنی

۳۰۵	بحث‌های داغ علمی
۳۰۹	آشنایی با مبارزه
۳۱۱	دایه‌ای زیرک
۳۱۴	گردشی متفاوت
۳۱۵	ارسال نامه با ترس
۳۱۶	دیدار با مبارزان
۳۱۹	آشنایی با هم‌زمان احمد
۳۲۹	ارشاد غیر مستقیم
۳۳۰	سازمان مجاهدین خلق
۳۳۲	سفرهای خانم به ایران
۳۳۳	گفتنی‌هایی از خانم
۳۳۳	کودکی خانم
۳۳۴	ماجرای خواستگاری امام
۳۳۶	رؤیاهای سرنوشت‌ساز
۳۳۸	دیدار پنهانی
۳۳۹	مراسم عقد
۳۳۹	خرید عقد
۳۳۹	جهیزیه
۳۴۴	خانواده خانم
۳۴۸	خانه‌های استیجاری امام
۳۵۱	تعهدی ستودنی
۳۵۲	کارگران خانه امام
۳۵۴	سفرهای تابستانی

۳۵۶	سفر به خمین
۳۵۹	دو خصلت زیبا
۳۶۰	چای خدا حافظی
۳۶۱	پی‌نوشت‌ها

فصل ششم: شب آخر

۳۶۵	بار دیگر لبنان
۳۷۰	با دکتر چمران در صور
۳۷۸	آشنایی با وفا
۳۸۰	بار دیگر نجف
۳۸۳	خانه امام
۳۸۶	برنامه‌های بدون تغییر
۳۸۸	خدمتکار بازیگوش
۳۸۹	شاگردان امام
۳۹۰	سرگرمی‌های خانوادگی
۳۹۲	شهادت حاج آقا مصطفی
۳۹۷	رخدادهای سرنوشت‌ساز
۳۹۸	ماه رمضان در نجف
۴۰۰	تردید در بازگشت به ایران
۴۰۲	ارتباط احمد با گروه‌های مبارز
۴۰۳	تحولات در ایران
۴۰۸	شیوه دریافت خبر
۴۰۹	رد و قبول مبارزه

۴۱۰	جشن هنر شیراز
۴۱۰	نام‌نویسی در دانشگاه بیروت
۴۱۴	ازدواج به یادماندنی
۴۱۶	بازگشت به عراق
۴۱۷	محاصره خانه امام در سال ۵۷
۴۲۰	خبرهای تلخ و شیرین
۴۲۱	هدیه فرد ناشناس
۴۲۳	شب آخر
۴۲۵	نگرانی‌های خانواده‌های همراهان امام
۴۲۸	بازتاب سفر امام به پاریس در نجف
۴۳۰	بازگشت من به ایران
۴۳۲	پی‌نوشت‌ها

فصل هفتم: فریاد خشم

۴۳۷	قم و روزهای انقلاب
۴۳۸	زرگنده
۴۳۹	برگ غربت
۴۴۲	کاخ الیزه
۴۴۳	تولد یاسر
۴۴۴	دیدار مهندس بازرگان با امام
۴۴۷	ظهور عشق و محبت
۴۴۸	همیاری‌های مردم
۴۵۰	تولد شاه. عزای عمومی

۴۵۱	تغییر دولت
۴۵۶	رفتن شاه و خطر کمونیسم
۴۵۸	راه پیمایی تاسوعا و عاشورا
۴۶۱	آزادی زنان
۴۶۲	دل‌تنگی ما
۴۶۶	پی‌نوشت‌ها

فصل هشتم: نوفل‌لوشاتو

۴۶۹	پاریس
۴۷۲	نوفل‌لوشاتو
۴۷۳	اقامتگاه امام
۴۷۴	کارهای روزانه امام
۴۷۷	برنامه خانم
۴۷۹	نقش احمد در نوفل‌لوشاتو
۴۸۱	ماجرای سفر امام به فرانسه
۴۸۳	مراقبتی نامحسوس
۴۸۹	سال نو مسیحی
۴۹۰	انفجار پس از اختناق
۴۹۲	گلایه امام از علمای الازهر
۴۹۳	هتل و کشیش‌های مسلمان
۴۹۴	آیت‌الله کمینی
۴۹۴	دیدارهای من
۴۹۷	راه پیمایی در نوفل‌لوشاتو

۴۹۸	ستاد خبری نوفل لوشاتو
۵۰۰	حرکت در بیم و امید
۵۰۱	فضای نوفل لوشاتو
۵۰۳	میزان ملت آمریکاست
۵۰۴	روحانی مسیحی
۵۰۵	تعیین هیئت پنج نفره
۵۰۶	جمهوری اسلامی
۵۰۷	ابهام زدایی
۵۰۹	پیام کارتر به امام
۵۱۰	دولت بختیار غیر قانونی است
۵۱۱	اعلان نوع حکومت
۵۱۲	تأکید بر نوع حکومت
۵۱۳	تدوین پیش نویس قانون اساسی
۵۱۴	آزادی بر مبنای توحید
۵۱۶	نامه های بدون امضا
۵۱۷	حزب الله
۵۱۷	تشکیل شورای انقلاب
۵۱۸	کسب تکلیف از امام
۵۱۹	حمایت از ارتشی ها
۵۱۹	آزادی زن در اسلام
۵۲۲	فرار شاه
۵۲۵	اهانت به تمثال مراجع
۵۲۵	گاندی مردی بزرگ

۵۲۶	دیدار با سید جلال‌الدین تهرانی
۵۲۷	خبرنگار فرانسوی
۵۲۸	چه زمانی به ایران می‌روید؟
۵۲۸	نقش مردم در حکومت
۵۲۹	اجرای برنامه‌های روزانه
۵۳۲	موعظه خداوند
۵۳۴	حکومتی دل‌نشین
۵۳۵	بازگشت به ایران
۵۳۸	رمز پیروزی
۵۳۹	وداع
۵۴۰	بسته شدن فرودگاه
۵۴۱	تدارک ریزنی‌ها درباره سفر به ایران
۵۴۲	تدارک سفر
۵۴۳	تشکر از دولت فرانسه
۵۴۴	سفر به آلمان
۵۴۸	پی‌نوشت‌ها

نمایه‌ها

۵۵۵	نمایه اشخاص
۵۷۳	نمایه مکان‌ها
۵۸۰	نمایه کتاب‌ها، نشریات
۵۸۸	نمایه نهادها، حزب‌ها، گروه‌ها و...

پیشگفتار

آن‌گاه که خواستم مقدمه‌ای بر کتاب خاطراتم بنگارم، دیباچه گلستان سعدی از خاطرم گذشت و آن را وصف حال خود یافتم:

«یک شب تأمل ایام گذشته می‌کردم و بر عمر تلف کرده تأسف می‌خوردم و سنگ سراجی دل به العاس آب دیده می‌سفتم و این بیت‌ها مناسب حال خود می‌گفتم:

هر دم از عمر می‌رود نفسی	چون نگه می‌کنم نماند بسی
ای که بنجاه رفت و در خوابی	مگر این سنج روز دریایی
حجل آن کس که رفت و کار ساخت	کوس رحلت زدند و بار ساخت

سر خجلت به زیر افکندم و خوش‌تر آن دیدم تا از معبودی که نیست کننده از هستی و هست کننده از نیستی است. آفریننده‌ای که پرستیدن او را سزااست و لذتی گوارتر از ذکر و یاد او نیست، شاکر و سپاسگزار باشم؛ چرا که در دورانی زندگی کردم که توانستم شاهد رویدادهای بزرگ و اشخاص سترگی باشم که نام و یاد آن‌ها هرگز از حافظه تاریخ محو نمی‌شود. افرادی که با خدا زیستن و جز او ندیدن را تجربه کردند و به همگان آموختند که در دوره کثرت‌زدگی و کمرنگ‌شدن معنویت می‌توان به گونه‌ای دیگر اندیشید و خدا را همواره در رأس حقیقت که نه، در عین حقیقت دید و همچنان از بار مسئولیت و کمک به خلق شانه

خالی نکرد. کسانی که طعم تلخ ملامت در راه معشوق را چشیدند و دم از «اللهم اذقنی حلاوة محبتک» فرو نیستند. لحظات سخت ملامت و شکنجه از خدایی خیران و دل به دیاسپردگان را تحمل کردند و کمتر از آنی دل از معبود و راه وصال او باز نگرفتند.

من نیز اعتراف می‌کنم اگر حقیقت را نچشیدم، شاهد لذتها و شرب مدام برخی از نام‌آوران سرزمینم بودم و توانستم هرچند با ضعف و نقصان، آینه‌وار پنجره‌ای برابر دیدگان شما بگشایم و گوشه‌ای از رشادت و ایثار فرزندان ایران عزیز را به نمایش بگذارم. کسانی که با دل دریایی‌شان خدا را حاضر و ناظر دیدند و جز برای او و رضای او چیزی نخواستند.

کتاب حاضر اثری است در حوزه تاریخ شفاهی با تمام نقاط ضعف و قوتی که بر این حوزه غالب است؛ اما از آنجا که هر تاریخ مکتوبی، ابتدا تاریخ شفاهی بوده این کتاب نیز اثری در حوزه تاریخ شفاهی است. اگر پژوهشگران اسناد را کاوش می‌کنند تا به چگونگی وقایع دست یابند؛ یا به تعبیر دیگر به آنچه رخ داده از آنچه بوده و هست پی‌می‌برند؛ در تاریخ شفاهی سخن از دیده‌ها و شنیده‌هاست. رخدادهایی که راوی به زمان وقوع آن بسیار نزدیک بوده و در متن و حاشیه آن قرار داشته است.

تاریخ شفاهی سرچشمه تمام تاریخ‌نگاری‌هاست و قدمتی دیرینه دارد. هرچند از تسهیلاتی که دستگاه‌های صوتی و تصویری در امر تاریخ‌نگاری به وجود آورده‌اند، غافل نباید بود. با پذیرش این مطلب که تاریخ شفاهی، علم تاریخ نیست و تنها شاهی است برای پژوهشگر، چه تاریخ‌نگار باید واقع را کشف کند؛ البته چگونگی استناد و بی‌طرفی نسبت به رخدادها بسیار مهم است؛ زیرا دیده‌ایم که تاریخ را همواره فاتحان نوشته‌اند و بسیاری از وقایع را آن‌گونه که دوست داشته‌اند، بازگو کرده‌اند و به قول بیهقی: «... تاریخ‌ها دیده‌ام بسیار، که پیش از من کرده‌اند پادشاهان گذشته را خدمتکاران ایشان، که اندران زیادت و نقصان کرده‌اند و بدان آرایش آن خواسته‌اند.»^۱ از این رو نقل یک مطلب یا یک گزاره اگر چه برای ناقل، نقلی است از لحظه لحظه زندگی و ژرفای احساس او، ولی برای تاریخ‌پژوه در «حد خبر واحد» حجیت

۱. ابوالفضل بیهقی، تاریخ بیهقی، تهران: هرمس، ص ۱۳۲.

می آورد، پس هرگز نباید از تأثیر فهم و احساس و حالات درونی ناقل در نقل و نوع نگاهش به وقایع و یا از آنچه اتفاق افتاده است، غفلت ورزید. چه بسا از باب «حب الشيء یعمی و یبسم» آنچه روایتگر دیده، نه آن چیزی است که رخ داده. این کاستی زمانی پررنگ تر می شود که در نقل یک خاطره و یا یک واقعه تاریخی تحلیل روایتگر هم بر آن افزوده شود؛ در این صورت گفتار و خاطره از نوع نقل حدسی است نه حسی.

در اینجا مناسب می بینم به نمونه ای ساده و گویا اشاره کنم که بیانگر این ضعف در تاریخ شفاهی است. ناقلی در خاطرات خود از امام خمینی^{ره} می گوید: «امام به شنیدن اخبار از طرق گوناگون اهتمام داشتند؛ از این رو برنامه های خبری رادیوهای بیگانه را گوش می کردند و اهتمام ایشان به اندازه ای بود که اگر زمان پخش خبر با زمان نماز مغرب هم زمان می شد، نماز مغرب خود را پیش از اذان می خواندند، تا بتوانند اخبار رادیو «بی بی سی» را گوش کنند.» در درستی این خاطره تردیدی نیست. روایتگر این خاطره نیز فرد راست گویی است و در بیانش شک و شبهه ای وجود ندارد. حال آنکه اقامه نماز پیش از وقت شرعی از سوی امام نیز محال است. پس اشکال این خبر در کجاست؟ اشتباه زمانی رخ داده که ناقل در ربط بین دو گزاره یا دو رخداد به تحلیل دست زده است. او وقت شرعی را آن زمان می دانسته که رسانه ها اعلام می کردند؛ از این رو گمان کرده نماز خواندن امام - پیش از اذان - به دلیل اهمیت شنیدن خبر بوده است. حال اگر روایتگران دیگری به نقل این خاطره نپرداخته بودند، هیچ گاه این حقیقت که امام مجتهدی بودند که وقت شرعی را تشخیص می دادند، برای تاریخ پژوه آشکار نمی گردید.

به هر روی این کتاب، اثری است در حوزه تاریخ شفاهی با همان نقطه ضعف ها، اما کوشیده ام تا حد امکان در پرهیز از ضعف مذکور طی طریق کنم و خود را به رعایت نکات زیر ملزم سازم:

۱. نقل‌هایم را در بسیاری از موارد با سندها و گفته‌های دیگران مطابقت دهم تا از خطا مصون باشد؛ یعنی در شرح رخدادهای به حافظه خود اکتفا نکردم و از نظر کسانی که در آن ماجرا حضور داشته‌اند نیز بهره برده‌ام.

۲. کوشش کرده‌ام از تحلیل خودداری کنم و به نقل حدسی نپردازم و اگر جایی ناگزیر بوده‌ام، به گونه‌ای بیان کرده‌ام که خواننده بتواند میان آنچه دیده و شنیده‌ام و آنچه تحلیلی بیان کرده‌ام تفاوت بگذارد.

۳. کوشیده‌ام هنگام بیان رخدادهای حب و بغض را از خود دور سازم و آنچه به‌راستی رخ داده است بیان کنم؛ زیرا صداقت در نقل خاطرات را رسالت خاطره‌نویسی می‌دانم. عشق و محبت نگارنده نسبت به برخی از آن‌ها انکارناپذیر است، اما تلاش کرده‌ام رسالت مفروض را حفظ نمایم.

۴. هنگام نقل حوادث کوشیده‌ام تا از پس تاریخ و با مجموعه رویدادها به ماجرا نگاه نکنم، بلکه خود را در همان ظرف زمانی قرار دهم. همچنین نخواسته‌ام با توجه به مسائل روز، گذشته را تعریف کنم. اذعان دارم که روشن‌نمودن زوایای زندگی نام‌آوران بزرگ، نه تنها کاری دشوار و عظیم، بلکه فضیلتی است که اگر عاری از صداقت و نیز بدون توجه به جنبه‌های تخصصی و فنی آن انجام گیرد، مخدوش می‌گردد؛ افزون بر آنکه ممکن است منشأ انحراف و تحریف شود؛ زیرا درست است که تاریخ هر فرد با تولد او آغاز و با مرگ او پایان می‌پذیرد، اما بدیهی است با چشم فروستن مردان بزرگ تاریخشان پایان نمی‌پذیرد و همچنان می‌تواند برای نسل‌های آینده روشنگر راه از بیراهه باشد.

۵. نیز از خاندانم یاد کرده‌ام؛ چرا که به گونه‌ای در روند اصلاح جریان‌های اجتماعی ایران اثربخش بوده‌اند و در گاه‌شمار این سرزمین جایگاهی داشته‌اند.

۶. اسناد و تصاویری نیز در این کتاب آورده‌ام؛ زیرا مجموعه آن‌ها می‌تواند یاریگر تاریخ‌نگاران، پژوهشگران و مستندسازان باشد. در همین راستا و برای آشنایی بیشتر با نهادها، رخدادهای و کسانی که نامی از آنان به میان آمده است، پی‌نوشت‌هایی بر متن افزوده‌ام.

در پایان سپاسگزارم. از همکاری گروه تاریخ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^۱؛ آقایان محمدجواد مرادی‌نیا و حمید بصیرت‌منش؛ نیز همکاری واحد خاطرات: آقای اصغر میرشکاری و همکارانشان؛ همچنین به پاس پی‌گیری‌های آیت‌الله روحانی و تشویق‌های آقای دکتر محسن بهشتی سرشت و خانم الهه افشار که ویرایش این اثر را بر عهده داشتند، همچنین همکارانم در پژوهشکده امام خمینی^۲ و انقلاب اسلامی.

تهران - زمستان ۱۳۸۹

فاطمه طباطبایی